

مشکلات مالیاتی شرکت‌ها

در رابطه با تقسیم سود



مذکور (به خصوص سودی که بین سهامداران تقسیم شده است) با حصه‌ای از مالیات قطعی سال مذکور مقایسه شود، چه نتیجه یا نتایجی حاصل خواهد شد و به همین دلیل، طبیعی است که محاسبات و ارقام مربوط به آن، بر مبنای هر سهم استخراج و مقایسه شده است.

از آنجا که در شرایط فعلی، تکلیف مالیات قطعی و نهایی عملکرد سال (دوره) مالی منتهی به سال ۷۶ شرکت‌ها عملاً در سنوات آتی روشن خواهد شد، لذا در این گزارش، عملکرد سال‌های مالی منتهی به سال‌های ۷۳، ۷۴ و ۷۵ شرکت‌ها در مد نظر قرار گرفته است. به منظور آنکه تصویر

مقدمه

با توجه به این که تکلیف مالیات قطعی و نهایی مربوط به هر سال مالی در شرکت‌های سهامی عام، معمولاً چند سال پس از عملکرد سال مذکور روشن می‌شود، لذا گزارش‌های جاری شرکت‌ها، تصویر صحیحی از مالیات قطعی سال مورد گزارش و نتایج عملی و تحلیلی آن را بدست نمی‌دهد و لذا گزارش حاضر در این راستا و به این منظور تهیه شده است تا مشخص شود که پس از قطعیت مالیات نهایی عملکرد یک شرکت برای هر سال، چنانچه سود خالص سال

آنچه ملاحظه می‌فرمایید، برگزیده‌ای است از مطالعه و مقایسه آماری و نموداری وضعیت مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌های موجود در پرتفوی شرکت مدیریت سرمایه‌گذاری بانک ملی ایران (سهامی خاص) و استخراج نسبت P/E شرکت‌های مذکور و دامنه نوسان آنها بر مبنای خالص دریافتی (حقیقی) سهامداران، که در اسفند ۱۳۷۷ توسط آقای عادل صبوری، رئیس اداره کارشناسی شرکت مزبور تهیه شده و در اختیار قرار گرفته است. علاقمندان به اطلاعات مشروحتر در این باره می‌توانند با دفتر مجله تماس بگیرند.

بانک و اقتصاد

جامع و گویاتری از وضعیت شرکت‌های مربوط به هر گروه از صنایع ارایه شود، در زمینه آن دسته از شرکت‌های هر گروه که اطلاعات مربوط به آنها کامل بوده، نمودار گرافیکی (به طور ستونی) نیز ارایه شده است و همچنین، به منظور مقایسه هر چه بهتر شرکت‌های مورد گزارش در زمینه هر گروه از صنایع، یک نمودار میانگین نیز در کنار نمودارهای شرکت‌های هم‌گروه (یا حتی شرکت‌های با فعالیت مشابه در یک گروه) ارایه شده است و در تجزیه و تحلیل این نمودارها و به خصوص نمودار میانگین، لازم است ملحوظات مربوط به جداول و نمودارها که متعاقباً درج شده است، کاملاً در مد نظر قرار گیرد.

تمامی شرکت‌های موضوع این گزارش، در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند و در تهیه جداول و نمودارها، موارد زیر ملحوظ بوده است:

۱- گروه‌بندی شرکت‌ها بر مبنای تقسیم‌بندی بورس اوراق بهادار تهران بوده و به منظور تفکیک و مقایسه هر چه بهتر، در مواردی که تعداد شرکت‌های یک گروه که فعالیت مشابهی داشته‌اند، قابل توجه بوده، جداول یا نمودار مربوط به این دسته از شرکت‌ها به طور جداگانه ارایه شده است. در این زمینه، صنایع غذایی (کد ۱۵) به تفکیک شرکت‌های قند، روغن نباتی، و سایر مواد غذایی - صنایع شیمیایی و دارویی (کد ۲۴) به تفکیک شرکت‌های دارویی، رنگ و صنایع بهداشتی - صنایع کانی غیر فلزی (کد ۲۶) به تفکیک شرکت‌های سیمان، کاشی و سرامیک، آزیست و محصولات شیشه‌ای و همچنین، صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات (کد ۲۹) نیز برای سال ۷۳ به تفکیک لوازم خانگی و سایر ماشین‌آلات تجهیزات ارایه شده که در اینگونه موارد یکسانی کدهای صنعت مربوطه گویای مطلب است.

۲- به لحاظ آنکه در مورد تعداد نسبتاً زیادی از شرکت‌ها، تکلیف مالیات قطعی سال ۷۵ تا این تاریخ روشن نشده است، در موارد معدودی که در یک گروه از صنایع، مالیات سال ۷۵ هیچیک از شرکت‌های گروه مذکور قطعیت نیافته، طبیعتاً ارایه جدول سال ۷۵ شرکت‌های مذکور موضوعیتی نداشته و در زمینه اینگونه صنایع، به ارایه جداول مربوط به سال‌های ۷۳ و ۷۴ اکتفا شده است.

۳- همچنین، در جداول مربوط به یک گروه از صنایع، در مواردی که تعداد شرکت‌هایی که آمار و اطلاعات آنها در دسترس نیست، ریاد

بوده، و آمار و ارقام کامل منحصر به یک یا دو شرکت بوده است، از ارایه نمودار خودداری شده است.

۴- در مورد پاره‌ای از گروه‌های صنایع که اصولاً تعداد شرکت‌های آنها کم بوده یا تعداد شرکت‌هایی که اطلاعات مربوط به آنها کامل باشد، اندک بوده، نمودار شرکت‌های گروه‌های همگن توأمأ در یک صفحه ارایه شده است. در این زمینه متذکر می‌شود که نمودار شرکت‌های مربوط به صنایع چوبی (کد ۲۵)، کارت و بسته‌بندی (کد ۲۱) و چاپ و انتشارات (کد ۲۲) در یک صفحه و نمودار شرکت‌های مربوط به صنایع دستگاه‌های برقی (کد ۳۱) و رادیو و تلویزیون (کد ۳۲) نیز در یک صفحه ارایه شده‌اند.

۵- عدم امکان دستیابی به پاره‌ای اطلاعات در بعضی از موارد، موجبات بروز شرایط استثنایی در استخراج ارقام میانگین را فراهم آورده است. به عنوان نمونه، در مواردی رقم مالیات قطعی یک شرکت بدست آمده و درج شده، در حالیکه تعیین رقم مالیات ابرازی همان شرکت ممکن نشده است. بخش اعظم اینگونه

● ممکن است نتایج این بررسی از لحاظ بعضی از مسوولان امور مالیاتی مضحک جلوه کند، اما هدف از بررسی ارتباط مالیات با تقسیم سود یادآوری این نکته است که اولاً، بازده حقیقی سرمایه‌گذاری، انگیزه اصلی و واقعی سرمایه‌گذاری است؛ ثانیاً، اختلافات فاحش زمانی و ریالی تعلق مالیات تبعات ناگواری دارد.

موارد از اشکال متفاوت ارایه ترازنامه و حساب سود و زیان و سایر اطلاعات توسط شرکت و نحوه انعکاس اطلاعات و ارقام مربوط به مالیات در حساب‌های هر شرکت سرچشمه می‌گیرد و همچنین، وجود شرایطی که برافزایش سرمایه شرکت‌ها حاکم بوده و در زمینه‌های مختلفی از قبیل:

الف- تاریخ افزایش سرمایه، نحوه افزایش سرمایه، محل تامین آن، زمان واریزی وجوه، چگونگی پذیره‌نویسی، زمان فروش حق تقدم‌های مازاد، زمان ثبت افزایش سرمایه و زمان انجام اولین معامله سهام پس از افزایش سرمایه، از شرکتی به شرکت دیگر کاملاً متفاوت است. لذا

امکان تشریح و درج توضیحات مربوط به برخی مغایرت‌های ظاهری و آثار آن در استخراج حصه سود و مالیات هر سهم و سایر اطلاعات مندرج در این جداول (که در نگاه اول ممکن است حاکی از ابهاماتی باشد) به هیچوجه وجود نداشته است.

ب- وجود زیان در عملکرد تعدادی از شرکت‌ها، یا حصول ارقام منفی ناشی از فزونی مالیات قطعی بر سود تقسیم شده و حتی در پاره‌ای موارد فزونی مالیات قطعی بر کل سود قبل از کسر مالیات.

پ- عدم امکان نمایش ارقام منفی که نمودارها را از شکل متعارف آن خارج می‌ساخت و در پاره‌ای موارد به دلیل تفاوت فاحش ارقام اصولاً از مقیاس نمودار خارج می‌شد.

ت- و پاره‌ای موارد دیگر، سبب شده است که در چنین مواردی الزاماً در مقایسه اولیه میانگین‌ها - علیرغم آنکه حتی الامکان اصول و مبانی مربوطه رعایت شده است - پاره‌ای ناهمخوانی‌های ظاهری در جداول و نمودارها به نظر برسد، لکن اینگونه موارد به هیچوجه هدف نهایی تهیه این گزارش را خدشه‌دار نکرده، به خصوص در زمینه افزایش سرمایه‌ها، به دلیل آنکه همان مبانی که در استخراج حصه سود هر سهم بکار گرفته شده، عیناً در استخراج حصه‌های مالیاتی مربوطه نیز بکار گرفته شده است، لذا در محاسبه درصدها و نتایج کلی که از جداول و نمودارها قابل استخراج و استنتاج می‌باشد، مغایرت و اثری برجای نگذاشته است.

آمار و ارقام مندرج در این جداول و نمودارها، می‌تواند از زوایا و جنبه‌های مختلفی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد که به همین دلیل بررسی و تحلیل آن، عمدتاً به جنبه‌های مطلوب و مورد نظر خواننده واگذار شده است و لذا در این قسمت، با توجه به هدف اصلی از تهیه این گزارش (اثر نهایی مالیاتی که قطعیت می‌یابد، بر سودی که قبلاً در سال ذیربط بین سهامداران تقسیم شده است) به درج آثار و نتایج نهایی مذکور در زمینه شرکت‌هایی که مالیات قطعی آنها از کل سود تقسیم شده و حتی در مواردی از کل سود کسب شده تجاوز نموده، اکتفا شده است.

در اینجا، مؤکداً لازم به یادآوری است که به دلیل نارسایی‌ها، یا مشکلاتی که در زمینه پاره‌ای از جنبه‌های تخصیص مالیات به مضمولان واقعی آن در قوانین مالیاتی ما حکمفرما بوده است، سهامدارانی که مدت‌ها پس از برگزاری مجمع سال‌های مالی مورد بحث، به خرید سهام

شرکت‌های مشمول چنین شرایطی اقدام نموده‌اند، بدون آنکه به نحو واضح و دقیقی متوجه باشند (که این امر خود، تا حدود زیادی، از نقایص گزارشگری اطلاعات مالی شرکت‌ها سرچشمه می‌گیرد) متحمل مالیاتی شده‌اند که سهامداران دیگری که مؤدیان واقعی آن مالیات شمرده می‌شوند، مدت‌ها قبل سودی را که مالیات مربوط به آن بعدها قطعی شده است، دریافت کرده‌اند و این امر که حاکم بودن چنین شرایطی، تا چه حد ساده‌ترین و بدیهی‌ترین اصول عدالت مالیاتی را خدشه‌دار می‌سازد، نیاز به تشریح و توضیح اضافی ندارد.

با توجه به این توضیحات، وضعیت مالیاتی شرکت‌های شاخص، به تفکیک گروه‌های صنایع تشریح شده و خلاصه وضعیت اینگونه شرکت‌ها در ۳ جدول کل آماری (به تفکیک سال‌های ۷۳ و ۷۴ و ۷۵) ارائه و نتیجه و پیشنهاد مورد نظر در خاتمه گزارش درج شده است.

بررسی وضعیت مالیاتی شرکت‌های شاخص:

۱- صنایع غذایی (کد ۱۵)

الف - مالیات سال ۱۳۷۳: همانگونه که در جداول مشهود است، از نه شرکتی که اطلاعات مربوط به آنها کامل بوده، در مورد سه شرکت پیچک، مارگارین و قند مرودشت مالیات قطعی نه تنها از سود تقسیم شده، بلکه حتی از کل سود قبل از کسر مالیات (EPS) سال مالی تجاوز کرده است و در مورد شرکت پیچک این فزونی مالیاتی از ۲۰۰ درصد EPS نیز فراتر می‌رود.

ب - مالیات سال ۱۳۷۴: مالیات قطعی عملکرد این سال نیز برای شرکت‌های فرآورده‌های غذایی مشهد و مارگارین از کل سود تقسیم شده (DPS) بیشتر بوده و در شرکت‌های روغن نباتی پارس و صنعتی بهپاک از دو برابر (۲۰۰ درصد) کل سود قبل از کسر مالیات (EPS) نیز تجاوز کرده است.

۲- صنایع نساجی (کد ۱۷)

الف - مالیات سال ۱۳۷۳: به طوریکه از جداول برمی‌آید، مالیات قطعی شرکت بافت آزادی بیشتر از کل سود تقسیم شده (DPS) سال مذکور بوده، در مورد شرکت مخمل و ابریشم کاشان بیشتر از کل سود قبل از کسر مالیات شرکت (EPS) مالیات قطعی به عملکرد سال ۱۳۷۳ تعلق گرفته و در مورد شرکت نساجی سازندران نیز که بابت عملکرد سال ۱۳۷۳ هیچگونه سودی بین سهامداران تقسیم نکرده، رقم مالیات قطعی از کل سود قبل از کسر مالیات

شرکت بیشتر بوده و همچنین، در مورد شرکت گروه صنعتی نقش ایران مالیات قطعی سال ۱۳۷۳ دقیقاً معادل ۲۰۰ درصد کل سود قبل از کسر مالیات سال مذکور است.

ب - مالیات سال ۱۳۷۴: در همین صنعت، برای سال ۱۳۷۴ نیز مالیات قطعی سه شرکت نساجی مازندران، ریسندگی و بافندگی کاشان و گردباف یزد نیز بیش از کل سود تقسیم شده (DPS) و در مورد شرکت گروه صنعتی نقش ایران از کل سود قبل از کسر مالیات شرکت نیز بیشتر می‌باشد.

۳- صنایع کاغذ و بسته‌بندی، محصولات چوبی و چاپ و انتشار (کدهای ۲۰ - ۲۱ - ۲۲)

الف - مالیات سال ۱۳۷۳: در عملکرد سال ۱۳۷۳ شرکت‌های فعال در صنایع فوق‌الذکر مالیات شش شرکت متجاوز از ۵۰ درصد سود تقسیم شده (DPS) و در شرکت کاغذسازی قائم‌شهر در شرایطی که سودی بین سهامداران تقسیم نشده، مالیات قطعی در حدود سه برابر کل سود قبل از کسر مالیات شرکت (EPS) منظور شده است.

ب - مالیات سال ۱۳۷۴: در این سال نیز در زمینه شرکت ایران فرم در شرایطی که هیچ سودی بین سهامداران تقسیم نشده، به ازای سود قبل از کسر مالیات (EPS) ۲۴۱ ریالی، مالیاتی معادل ۱۷۰ ریال به هر سهم شرکت تعلق گرفته است.

پ - مالیات سال ۱۳۷۵: برای عملکرد سال ۱۳۷۵ شرکت ایران فرم برگ تشخیصی صادر شده است که بر مبنای آن، مالیات متعلق به هر سهم بیش از کل سود قبل از کسر مالیات شرکت (EPS) است و اگر چه به روال معمول، مورد اعتراض قرار گرفته و به احتمال بسیار زیاد کاهش خواهد یافت، ولی به هر حال، به طور معمول، این احتمال ضعیف است که مالیات قطعی هر سهم شرکت مذکور کمتر از سودی باشد که در همان سال بین صاحبان سهام تقسیم شده است، یعنی ۲۵۰ ریال.

۴- صنعت داروسازی (کد ۲۴)

الف - مالیات سال ۱۳۷۳: به ازای سود تقسیم شده‌ای که برای شش شرکت مذکور به طور متوسط برای هر سهم ۲۰۹۱ ریال است، مالیات میانگین هر سهم ۹۶۵ ریال بوده، که در مقایسه با شرایط حاکم بر سایر صنایع و شرکت‌ها، می‌توان گفت وضعیت نسبتاً متعادلی بر آن حکمفرما بوده است.

ب - مالیات سال ۱۳۷۴: در این سال نیز مالیات متعلقه به میانگین ۱۵۸۵ ریالی سود تقسیم‌شده هر سهم (DPS) در شرایطی به ۷۲۵ ریال بالغ شده است که دو شرکت از معافیت برخوردار بوده‌اند و در صورت حذف دو شرکت مذکور میانگین مالیات قطعی هر سهم به ۹۰۷ ریال (بیش از ۵۰ درصد سود تقسیم شده) افزایش می‌یافت.

۵- صنعت رنگ‌سازی‌ها (کد ۲۴)

الف - مالیات سال ۱۳۷۳: میانگین مالیات قطعی شرکت‌های ذیربط در این سال کمتر از ۵۰ درصد میانگین سود تقسیم شده (DPS) به نظر می‌رسد و علت عمده این امر وضعیت استثنایی مالیات شرکت طیف ایران است.

ب - مالیات سال ۱۳۷۴: برای سود قبل از کسر مالیات (EPS) ۱۸ ریالی شرکت طیف ایران در سال ۱۳۷۴ مالیات قطعی ۱۹۸ ریالی (به ازای هر سهم) منظور شده است.

۶- صنعت لاستیک و پلاستیک (کد ۲۵)

الف - مالیات سال ۱۳۷۳: در زمینه چهار شرکت فعال در این صنعت، در قبال سود تقسیم‌شده به ازای هر سهم (DPS) میانگین حاصله حاکی از تعلق مالیات قطعی ۵۶ درصدی است و علت کاهش مختصر میانگین مالیات قطعی نسبت به میانگین مالیات ابرازی، در دست نبودن اطلاعات مربوط به مالیات ابرازی شرکت پلاستیران است.

ب - مالیات سال ۱۳۷۴: در جدول مربوط به سال ۱۳۷۴ علت وضعیت متعادلی که در ارقام میانگین مشاهده می‌شود، فقدان اطلاعات مربوط به مالیات قطعی شرکت درخشان تهران است که سود قابل توجهی را تقسیم کرده، ولی وضعیت مالیات قطعی آن هنوز مشخص نیست و اگر سود شرکت مذکور را در محاسبه میانگین حذف کنیم، رقم میانگین سود تقسیم شده‌ای که باید با میانگین مالیات قطعی مقایسه شود، معادل ۱۶۱۰ ریال خواهد بود و همین امر، به علاوه در دسترس نبودن رقم مربوط به مالیات ابرازی شرکت پلاستیران، سبب شده است که در این جدول نیز میانگین مالیات قطعی، ظاهراً کمتر از میانگین مالیات ابرازی بنظر برسد.

پ - مالیات سال ۱۳۷۵: مالیات شرکت پلاستیران به ازای هر سهم، ۳۰ ریال بیشتر از کل سودی است که بین سهامداران شرکت تقسیم شده است.

۷- صنعت سیمان (کد ۲۶)

الف - مالیات سال ۱۳۷۳: مالیات شرکت

سیمان صوفیان برای سال ۷۳ به ازای هر سهم معادل ۱۴۱ ریال بیشتر از سودی بوده است که بابت عملکرد همان سال بین سهامداران تقسیم شده است.

ب - مالیات سال ۱۳۷۴: در این گروه نیز به دلیل مشخص نبودن مالیات قطعی شرکت های سیمان غرب و سیمان کرمان، چنانچه در استخراج میانگین سود تقسیم شده دو شرکت مذکور حذف شوند، مبلغ ۱۰۳۵ ریال به ازای هر سهم بدست می آید که مالیات قطعی متعلقه به هر سهم در مقایسه با آن حدود ۵۰ درصد می باشد که در مجموع، وضعیت متعادلی را نشان میدهد. (البته اگر تعلق مالیاتی در حدود ۵۰ درصد را متعادل فرض کنیم.)

پ - مالیات سال ۱۳۷۵: مالیات قطعی شرکت سیمان مازندران از سود ۴۷۰ ریالی که در همان سال بین سهامداران تقسیم شده، به ازای هر سهم ۳۶۳ ریال (۷۷ درصد) بیشتر است.

۸ - صنایع کاشی و سرامیک - چینی و گچ (کد ۲۶)

الف - مالیات سال ۱۳۷۳: در این صنعت تنها اطلاعات مربوط به دو شرکت برای سال ۱۳۷۳ کامل بوده و لذا ارقام میانگین ملاک ارزیابی قرار نگرفته و با توجه به معافیت شرکت کاشی الوند، بدیهی است که شرکت کاشی

اصفهان نیز باید جداگانه و به تنهایی در مدنظر قرار گیرد.

ب - مالیات سال ۱۳۷۴: در زمینه مالیات سال ۱۳۷۴ نیز با توجه به معافیت همان شرکت کاشی الوند اصلاح است سه شرکت این صنعت که اطلاعات مربوط به آنها کامل است، هر یک به طور جداگانه دیده شوند.

پ - مالیات سال ۱۳۷۵: تنها اطلاعات یک شرکت کامل است که طبیعتاً باید تنها دیده شود و ارقام میانگین در زمینه آن موضوعیت ندارد.

۹ - صنعت آزیست (کد ۲۶)

الف - مالیات سال ۱۳۷۳: مالیات قطعی سال ۱۳۷۳ شرکت ایرانیست از کل سود قبل از کسر مالیات (EPS) و از دو برابر (۲۰۰ درصد) سود تقسیم شده بین سهامداران نیز تجاوز کرده است.

ب - مالیات سال ۱۳۷۴: در زمینه مالیات سال ۱۳۷۴ دو شرکت آذریت و ایتالران که اطلاعات آنها کامل بوده، میانگین سود تقسیم شده بین سهامداران دو شرکت مذکور ۸۵۶ ریال است که با توجه به آن میانگین مالیات قطعی متعلقه به هر سهم ۵۷۶ ریال، یعنی معادل ۶۷ درصد خواهد بود.

۱۰ - صنعت شیشه و پشم و شیشه (کد ۲۶)

الف - مالیات سال ۱۳۷۳: مالیات قطعی

سال ۱۳۷۳ شرکت آبگینه از کل سود تقسیم شده بین سهامداران و مالیات قطعی شرکت شیشه همدان از کل سود قبل از کسر مالیات شرکت (EPS) تجاوز کرده است و ضمناً چنانچه سود قابل توجهی را که شرکت شیشه و گاز بین سهامداران تقسیم کرده (باتوجه به اینکه مالیات قطعی عملکرد سال مذکور هنوز مشخص نشده است) از میانگین سود تقسیم شده خارج کنیم، میانگین واقعی ۶۸۵ ریال بدست می آید که در آن صورت، میانگین مالیات قطعی به مبلغ ۵۵۱ ریال در مقایسه با آن ۸۰ درصد خواهد بود.

ب - مالیات سال ۱۳۷۴: مالیات قطعی شرکت شیشه همدان برای سال ۱۳۷۴ نیز از کل سود تقسیم شده بین سهامداران در همان سال تجاوز کرده است و در همین زمینه نیز چنانچه سود تقسیم شده شرکت های شیشه و گاز و فرآورده های نسوز ایران را که مبلغ آن قابل توجه بوده، لکن مالیات قطعی آنها تعیین نشده، از میانگین خارج کنیم، میانگین قابل مقایسه ۱۰۲۸ ریال خواهد بود.

پ - مالیات سال ۱۳۷۵: مالیات قطعی شرکت آبگینه برای سال مذکور تقریباً معادل سود تقسیم شده است و مالیات قطعی شرکت شیشه همدان از کل سود قبل از کسر مالیات شرکت (EPS) در سال مذکور تجاوز کرده است.

جدول مربوط به سال ۱۳۷۳

شرکت هایی که اطلاعات در زمینه آنها کامل بوده است							جمع کل شرکت های مورد بررسی	نام صنعت
شرکت هایی که مالیات قطعی آنها در طی دوره مالی منتهی به سال فوق الذکر:								
تعداد سایر شرکتهای	بیش از دو برابر کل Eps سال مالی بوده		بیش از کل Eps سال مالی بوده		بیش از کل سود تقسیم شده بوده			
	توضیحات	تعداد	توضیحات	تعداد	توضیحات	تعداد		
۶	بدون تقسیم سود	۱		۲		۹	۱۹	۱- صنایع غذایی
۴	دقیقاً معادل ۲۰۰ درصد EPS	۱	بدون تقسیم سود	۲		۸	۱۳	۲- صنعت نساجی
۶	بدون تقسیم سود	۱				۷	۸	۳- صنایع کارتن، چوب و چاپ
۶						۶	۶	۴- صنایع دارویی
۵						۵	۶	۵- صنعت رنگسازی
۴						۴	۴	۶- صنایع لاستیک و پلاستیک
۳					۱	۴	۶	۷- صنعت سیمان
۲						۲	۷	۸- صنایع کاشی سرامیک و چینی
۲			بیش از ۱۷۰ درصد EPS	۱		۳	۵	۹- صنعت آزیست سیمان
۲			بیش از ۱۶۰ درصد EPS	۱	بیش از ۱۷۰ درصد DPS	۴	۵	۱۰- صنعت شیشه
۱	بیش از ۲۲۰ درصد EPS	۱				۲	۴	۱۱- صنایع فلزات اساسی
۵			بیش از ۱۸۰ درصد EPS	۱		۱	۹	۱۲- صنایع فلزات فلزیکی
۶		۵	دقیقاً معادل EPS	۱		۳	۲۰	۱۳- صنایع ماشین آلات و تجهیزات
۲						۱	۵	۱۴- صنایع برقی و رادیو و تلویزیون
۲					بیش از ۱۵۰ درصد DPS	۳	۴	۱۵- صنایع خودروسازی
۵۶		۹		۸		۹	۱۲۱	جمع کل

۱۱ - صنعت ساخت فلزات اساسی (کد ۲۷)

الف - مالیات سال ۱۳۷۳: مالیات قطعی شرکت نورد و لوله اهواز از دو برابر (۲۰۰ درصد) کل سود قبل از کسر مالیات شرکت (EPS) تجاوز کرده است.

ب - مالیات سال ۱۳۷۴: مالیات قطعی شرکت‌های لوله و ماشین‌سازی ایران و آلومینیم پارس از کل سودی که بین سهامداران تقسیم شده، بیشتر است و مالیات قطعی شرکت نورد و لوله اهواز، در ازای ۱۱ ریال سود قبل از کسر مالیات برای هر سهم، به ۱۰۱ ریال بالغ شده است و چنانچه سود تقسیم شده و قابل توجه شرکت سپتارا، که مالیات قطعی آن هنوز مشخص نشده، از میانگین خارج کنیم، میانگین قابل مقایسه، معادل ۱۰۱۴ ریال خواهد بود که در مقایسه با آن میانگین ۸۸۶ ریالی مالیات قطعی در این صنعت نرخ متوسط ۸۷ درصد را برای سال ۱۳۷۴ به دست می‌دهد.

پ - مالیات سال ۱۳۷۵: برای این سال تنها مالیات قطعی شرکت لوله و ماشین‌سازی ایران مشخص شده که از سود تقسیم شده تجاوز نموده و طبیعتاً ارقام میانگین در مورد این شرکت نیز موضوعیت ندارد.

۱۲ - صنعت فلزات فابریکی (کد ۲۸)

الف - مالیات سال ۱۳۷۳: مالیات قطعی سال ۱۳۷۳ شرکت آلو متک از کل سود تقسیم شده بین سهامداران بیشتر بوده و مالیات قطعی شرکت صنعتی ملایر که متجاوز از سه برابر سود تقسیم شده بین سهامداران (DPS) است، به حدود دو برابر (۸۸ درصد) کل سود قبل از کسر مالیات شرکت (EPS) نزدیک شده است.

ب - مالیات سال ۱۳۷۴: ارقام صفر در ستون‌های مالیاتی شرکت مس شهید باهنر به علت معافیت مالیاتی شرکت مذکور بوده و میانگین مالیات قطعی این صنعت در سال ۱۳۷۴ که اطلاعات مربوط به آن نسبتاً کامل است، علیرغم معافیت شرکت مذکور، در مقایسه با سودی که در همان سال بین سهامداران تقسیم شده، حدود ۵۹ درصد است.

پ - مالیات سال ۱۳۷۵: تنها رقم مالیات قطعی سه شرکت برای سال ۱۳۷۵ درج شده و با توجه به معافیت مالیاتی شرکت مس باهنر، بهتر است که هر یک از شرکت‌های مذکور فارغ از ارقام میانگین به طور موردی بررسی شود.

۱۳ - صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات (کد ۲۹)

الف - مالیات سال ۱۳۷۳: در این صنعت که متأسفانه وضعیت اسفباری حاکم بوده است، برای سال ۱۳۷۳ مالیات قطعی شرکت‌های تولیدی بهمن و ایران پویا از کل سود تقسیم شده بیشتر و مالیات قطعی شرکت چرخشگر دقیقاً معادل کل سود قبل از کسر مالیات شرکت بوده است. مالیات قطعی شرکت پارس خزر از کل سود قبل از کسر مالیات شرکت نیز بسیار بیشتر بوده و در شرکت‌های آتمسفر، کمباین‌سازی ایران و پمپ‌پارس که سود ناچیز آن‌ها اجازه تقسیم سود بین سهامداران را نداده است، مالیات‌هایی به شرکت تعلق گرفته که تنها در مورد پمپ‌پارس اندکی از کل سود قبل از کسر مالیات شرکت کمتر است، و گرنه در مورد شرکت

● چه بسا افرادی هستند که بدون اطلاع از چند و چون امور، نسبت به خرید سهام شرکت‌ها اقدام می‌کنند و بعد از مدتی معلوم می‌شود که مشمول پرداخت مالیاتی هستند که مؤدی واقعی آن مدت‌ها قبل سود سهام مزبور را گرفته و رفته است!

کمباین‌سازی ایران از دو برابر کل سود شرکت تجاوز نموده و در مورد شرکت آتمسفر بیش از ده برابر کل سود شرکت است.

وضعیت شرکت‌های کمپرسورسازی ایران و صنعتی جنرال از این هم وخیم‌تر است، به این مفهوم که به دو شرکت اخیر در شرایطی مبالغ سنگین مالیاتی تعلق گرفته که اصولاً در سال ۱۳۷۳ زیان داشته‌اند.

ب - مالیات سال ۱۳۷۴: در این سال نیز مالیات قطعی مربوط به شرکت‌های آزمایش و چرخشگر از کل سودی که بین سهامداران تقسیم شده و مالیات قطعی شرکت آتمسفر از کل سود قبل از کسر مالیات شرکت نیز تجاوز نموده و مالیات شرکت صنعتی جنرال که به علت سود ناچیز موفق به تقسیم سود بین سهامداران نشده، از هشت برابر (۸۰۰ درصد) کل سود قبل از کسر مالیات شرکت نیز تجاوز کرده است.

پ - مالیات سال ۱۳۷۵: در این سال نیز مالیات قطعی شرکت کمپرسورسازی تبریز از کل سود تقسیم شده و مالیات قطعی شرکت لیفتراک‌سازی سهند از کل سود قبل از کسر مالیات شرکت تجاوز کرده است.

۱۴ - صنایع ساخت رادیو و تلویزیون و دستگاه‌های برقی (کدهای ۳۱ - ۳۲)

الف - مالیات سال ۱۳۷۳: مالیات قطعی شرکت قوه پارس هم از کل سود تقسیم شده بین سهامداران تجاوز کرده است.

ب - مالیات سال ۱۳۷۴: همانطور که دیده می‌شود، اطلاعات مربوط به دو شرکت کامل بوده که طبیعتاً باید هریک فارغ از ارقام میانگین جداگانه بررسی شود.

۱۵ - صنعت خودروسازی (کد ۳۴)

الف - مالیات سال ۱۳۷۳: طبق ارقام جدول، مالیات قطعی گروه صنعتی خاور در سال ۱۳۷۳ از کل سود تقسیم شده بین سهامداران بیشتر بوده است.

ب - مالیات سال ۱۳۷۴: بابت این سال نیز مالیات قطعی شرکت خودروسازان بیش از ۳ برابر (۳۶۷ درصد) کل سودی است که بین سهامداران شرکت مذکور تقسیم شده است.

پ - مالیات سال ۱۳۷۵: در این سال مالیات قطعی شرکت خودروسازان از کل سودی که بین سهامداران شرکت مذکور تقسیم شده، تجاوز کرده است.

نتیجه و پیشنهاد

البته ممکن است نتایج این بررسی و همچنین، تفکیک و اشاره به شرکت‌هایی که مالیاتشان از کل سود تقسیم شده سال بیشتر بوده است، از نظر برخی مسوولان امور مالیاتی مضحک جلوه کند و این نکته را متبادر به ذهن نماید که شاید شرکت‌ها اصولاً نخواهند سودی را بین سهامداران خود تقسیم کنند، در آن صورت، تکلیف مالیات حقه دولت چیست؟ در اینجا لازم است این نکته مؤکداً یادآوری شود که این امر کاملاً مورد توجه دست‌اندرکاران تهیه این گزارش بوده، لکن تفکیک آن‌ها و اشاره به مالیاتی که به علت بلند یا نامتعارف بودن مراحل و زمان رسیدگی، در اکثر موارد، چند سال پس از دوره عملکرد مربوطه قطعیت می‌یابد، با سود تقسیم شده مربوط به همان عملکرد، از آن جهت صورت گرفته است که با تکیه بر آمار، اهمیت مسایل و مشکلات عدیده‌ای که از زاویه این ارتباط متوجه بازار سرمایه و امر سرمایه‌گذاری در کشور می‌شود، مورد تاکید، بررسی و نتیجه‌گیری واقع شود.

نقش تعیین‌کننده سود حاصل از سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها - اعم از سود

عملکرد و سود مازاد قیمت - در تعیین تکلیف، جهت گیری پس اندازها و هدایت سرمایه به سوی تولید و طرح های ملی و ... از جنبه های مختلف و متعددی قابل بررسی است و در سال های اخیر، کلیات و جزئیات و اهمیت این جنبه ها به کرات در جلسات و کمیسیون ها و سمینارها تشریح و مورد تاکید واقع شده و در اینجا هیچ نیازی به تکرار این جنبه ها نیست، لکن این بررسی و نتیجه گیری از ارتباط مالیات با تقسیم سود از این جهت حایز اهمیت است که بازده حقیقی سرمایه گذاری را که انگیزه اصلی و واقعی سرمایه گذاری است و همچنین، تبعات اختلاف فاحش زمانی و ریالی تعلق مالیات را مورد بحث قرار میدهد. به خصوص تحت شرایط فعلی که رکود توام با تورم بر اقتصاد کشور حاکم است، نه تنها سود مازاد قیمت برای سرمایه گذاران متصور نیست، بلکه به گواهی آمار و ارقام، در سال های اخیر با روند نزولی قیمت سهام، زیان ناشی از کاهش قیمتی که عملاً در بازار سهام تجربه شده است، انگیزه های سرمایه گذاری را چنان کاهش داده و ریسک آن را چنان افزایش داده که در چنین شرایطی، انتظار می رود چنان تسهیلاتی در قوانین و مقررات مالیاتی کشور وضع و اعمال شود که علاوه بر ایجاد انگیزه های جدید، حتی بتواند تا حدود

زیادی ریسک و زیان ناشی از کاهش قیمت را تقلیل دهد.

به طوریکه از جداول و نمودارهای همین گزارش برمی آید، به استثنای شرکت های معدودی که از معافیت کلی ماده ۱۳۲ استفاده می کنند و به جز شرکت های انگشت شماری که از معافیت های جانبی ریز و درشت مالیاتی بهره می برند، مالیات قطعی سایر شرکت ها در اکثر موارد از ۵۴ درصد هم فراتر می رود و همانگونه که در سه جدول کلی مشهود است و نیاز به هیچ توضیح اضافی ندارد، مالیات قطعی در پاره ای موارد، از کل سود قبل از کسر مالیات و بعضاً حتی از دو برابر آن نیز تجاوز می کند.

فارغ از جنبه های مربوط به تقسیم سود، آثار و نتایج اعمال چنین نرخ ها و مالیات های سنگینی بر اقتصاد کلان کشور، نیاز به تشریح ندارد و چنانچه نرخ ها، روش ها و به طور کلی، خط مشی و جهت گیری مالیاتی کشور، به نحوی باشد که مزایای سرمایه گذاری و به ویژه سرمایه گذاری در زمینه های تولیدی را تحت الشعاع قرار دهد و انگیزه های کسب سود و بازده منطقی را مختل سازد، بدیهی است که تمام فعالیت ها و برنامه ریزی هایی که برای توسعه یا افزایش تولید ملی بعمل می آید، به هدر خواهد رفت. ارتباط مستقیم مالیات با امر تقسیم سود از

زوایای مختلفی قابل طرح است و در اینجا از این زاویه وارد مطالب می شویم که بخش اعظم تفاوت فاحش مالیات قطعی نسبت به مالیات ابرازی مربوط به هزینه های غیر قابل قبول مالیاتی است که از طرف ممیزان برگشت میشود و نکته مهم آن است که این مالیات مدت ها و گاه سال ها پس از دوره مالی مورد رسیدگی قطعیت می یابد، لکن طبق عرف رایج، سهامداران شرکت ها در زمان تقسیم سود، توجهی به این مهم نداشته و بر تقسیم حداکثر سود ممکن اصرار دارند. چنانچه بخش اعظم سود بین سهامداران تقسیم شود، این احتمال به شدت وجود دارد که شرکت مبادرت به تقسیم سودی نماید که با توجه به بالابودن مبلغ مالیاتی که قطعیت می یابد و مسایل پیش گفته، در زمان قطعیت مالیات مشخص شود که با در نظر گرفتن همان مالیات، اصولاً چنان سودی برای تقسیم وجود نداشته است. و مساله وقتی جالب (یا عجیب) میشود که مالیات قطعی از کل سود قبل از کسر مالیات دوره ذریبط نیز تجاوز کند.

همین جداول اماراتی نشان میدهند که نمونه های بروز چنین شرایطی کم نبوده و نکته جالب تر (یا عجیب تر) این است که چون طبق

جدول مربوط به سال ۱۳۷۴

شرکت هایی که اطلاعات در زمینه آنها کامل بوده است							جمع کل شرکت های مورد بررسی	نام صنعت	
شرکت هایی که مالیات قطعی آنها در طی دوره مالی منتهی به سال فوق الذکر:									
تعداد سائیر شرکها	توضیحات	تعداد	بیش از کل EPS سال مالی بوده		بیش از کل سود تقسیم شده بوده		تعداد	تعداد	
			توضیحات	تعداد	توضیحات	تعداد			
۷		۲		۲		۱	۱۲	۲۴	۱- صنایع غذایی
۲	در دست رسیدگی مجدد	۱		بیش از ۲۰۰ درصد DPS	۱		۳	۷	۲- صنعت نساجی
۸							۹	۹	۳- صنایع کارتن، چوب و چاب
۱۰							۱۰	۱۰	۴- صنایع دارویی
۶		۱					۷	۷	۵- صنعت رنگسازی
۳							۳	۴	۶- صنایع لاستیک و پلاستیک
۶							۶	۹	۷- صنعت سیمان
۳							۳	۷	۸- صنایع کاشی سرامیک و چینی
۲							۲	۵	۹- صنعت آزیست سیمان
۳						۱	۴	۶	۱۰- صنعت شیشه
۱	بیش از ۹۰ درصد EPS	۱				۲	۲	۵	۱۱- صنایع فلزات اساسی
۹							۹	۱۰	۱۲- صنایع فلزات فلزیکی
۴	بیش از ۸۰ درصد EPS	۱		۱		۲	۸	۱۷	۱۳- صنایع ماشین آلات و تجهیزات
۲							۲	۶	۱۴- صنایع برقی و رادیو و تلویزیون
۳						۱	۴	۴	۱۵- صنایع خودروسازی
۶۹		۶		۲		۱۱	۹۲	۱۳۶	جمع کل

● سود سال ۱۳۷۳ شرکت آتمسفر چنان ناچیز بود که اجازه تقسیم سود بین سهامداران را نداده است، اما مالیاتی که برای همین شرکت تعیین شد، ده برابر کل سود شرکت است!

هم دارد که نیازی به شمردن یکایک آن‌ها نیست، لکن یکی از بارزترین آن‌ها این است که با وصول بموقع مالیات، ارزش ریالی بالقوه آن نیز برای دولت بسیار بیشتر خواهد بود.

در اینجا، مؤکداً پیشنهاد میشود که چنانچه برای وزارت امور اقتصادی و دارایی امکان تجهیز کلیه ادارات و ممیزی‌های مالیاتی، برای تحقق چنین امری در کل کشور فراهم نباشد، با توجه به حساسیت ویژه‌ای که شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سطح جامعه دارند، حداقل این پیشنهاد در زمینه این شرکت‌ها، که تعدادشان در مقایسه با تعداد کل سایر اشخاص حقوقی ناچیز شمرده میشود، به مورد اجرا گذاشته شود.

چنانچه این پیشنهاد مقبول واقع شود، روش اعمال آن - اعم از اختصاص ادارات ویژه به بررسی مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار یا در نظر گرفتن مهلت یا مهلت‌های قانونی کمتر و سرعت بیشتر برای رسیدگی به مالیات این شرکت‌ها یا هر روش دیگری که نهایتاً این خواسته را برآورده سازد - طبیعتاً منوط به صلاحدید مقامات محترم مالیاتی کشور است.

علاوه بر بالا بودن نرخ‌های مالیاتی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران یا به بیان دیگر، پایین بودن نسبی مزایای مالیاتی این شرکت‌ها، مسایل و مشکلات مختلف و متعدد دیگری از امار و ارقام این گزارش مستفاد می‌شود (که به عنوان مثال یکی از اهم آن‌ها تفاوت فاحشی است که فی‌مابین مالیات ابرازی، برگ تشخیص و مالیات قطعی به چشم می‌خورد و عمدتاً ریشه در هزینه‌های قابل قبول و غیرقابل قبول دارد)، لکن از آنجا که طی سال‌های اخیر بسیاری از این مسایل و مشکلات به کرات از زوایا و به طرق مختلف مطرح و منعکس شده‌است، لذا پرداختن به هر یک از آن‌ها، امار، جداول، تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری خاص خود را طلب می‌کند که امید است در ابعاد همه‌جانبه‌ای بذل عنایت شده و انشاء... نتیجه مطلوب و ایده‌آلی بدست آید. ■

سرمایه) و جوانب آن از جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری (به ویژه در ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های تولیدی) گرفته تا اثرات نهایی آن در امر توسعه و تولید ملی و مسایلی از قبیل خصوصی‌سازی و... که به عنوان سیاست‌های کلان اقتصادی کشور مطرح است، برجای گذاشته و به علاوه، بدیهی‌ترین اصول عدالت مالیاتی را تا چه حد خدشه‌دار کرده و می‌کند، نیاز به هیچ تشریح و توضیح اضافی ندارد.

طبق جدول کلی آمار سال ۱۳۷۵ تعداد بسیار اندک شرکت‌هایی که اطلاعات مالیاتی‌شان کامل بوده، بهترین گواه بر این مدعا است که یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مشکلات، طولانی بودن زمان رسیدگی اولیه تا صدور برگ تشخیص، و همچنین، طولانی شدن زمان و تشریفات مراحل بعدی رسیدگی به اعتراضات اولیه و ثانویه شرکت‌ها است.

چنانچه این امکان وجود داشت که وزارت امور اقتصادی و دارایی ادارات و واحدهای ممیزی مالیاتی را در حدی تجهیز و تشویق کند که برگ تشخیص ظرف مدت سه ماه صادر شود و پس از آن، برای هر اعتراض یک شرکت و رسیدگی به آن نیز مهلت‌های یک ماهه‌ای (یک ماه برای اعتراض شرکت و یک ماه برای رسیدگی به آن) قایل شوند، آنگاه رسیدگی به عملکرد مالیاتی یک شرکت که در آن طبق روال معمول فرصت دو مرحله اعتراض برای شرکت در نظر گرفته شود، جمعاً طی هفت ماه، به نتیجه قطعی میرسد و با توجه به مهلت هشت ماهه‌ای که در قانون تجارت برای پرداخت سود سهامداران در نظر گرفته شده‌است، ضمن آنکه بسیاری از مشکلات پیش‌گفته بر طرف می‌شد و احتمال تقسیم سود موهومی کاملاً از میان میرفت، در عین حال، قبل از پرداخت سود حصه مالیات واقعی متعلق به هر شرکت و هر یک از سهامداران آن دقیقاً مشخص می‌شد.

بدیهی است که با حاکم شدن چنین شرایطی، هم شرکت‌ها می‌توانند برای تقسیم سود سیاست و روش بهتری را در پیش بگیرند و هم مالیات هر سهم - فارغ از معاملات آتی - از مژدی واقعی آن اخذ می‌شود و در عین حال، اتخاذ چنین روشی مزایای جنبی و متعدد دیگری

قوانین و مقررات فعلی، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس از مالیات شرکت معاف هستند،

لذا در مواردی که مالیات قطعی از کل سود تقسیم شده تجاوز نماید، علی‌القاعده این مالیات به سهامداران تعلق می‌گیرد. در چنین شرایطی، شرکت باید حصه‌های مالیاتی را به بدهکار حساب سهامدارانی منظور کند که مدت‌ها قبل، از بابت عملکرد دوره ذیربط سودی را که حتی ممکن است موهومی بوده باشد (در مواردی که مالیات قطعی از کل سود شرکت بیشتر میشود)

دریافت کرده‌اند و باز هم جالب‌تر وقتی است که مشخص میشود که بخش اعظمی از اینگونه اشخاص سهام خود را فروخته‌اند و حتی در پاره‌ای موارد، مالکیت یک شرکت هم ممکن است در این فاصله چندین بار و به اشکال مختلفی تغییر کرده باشد. به هر حال، در صورت بروز چنین شرایطی که در حال حاضر، نمونه‌های واقعی آن کم نیست، برای منظور کردن مالیات به حساب مؤدیان واقعی آن هیچگونه قوانین مشخص و مقرراتی پیش‌بینی و وضع نشده و به فرض هم که امکان منظور کردن آن به نحوی از انحا وجود داشته باشد - با توجه به موارد پیش‌گفته در زمینه تغییر مالکیت سهام، و به خصوص در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس - امکان عملی وصول آن وجود ندارد و به ویژه در پاره‌ای از شرکت‌ها که تعداد سهامداران آنها به چندین هزار نفر میرسد، تقریباً غیر ممکن است.

آمار و ارقام مربوط به ظهور و وقوع چنین شرایطی، حساسیت و اهمیت ارتباط مالیات قطعی با امر تقسیم سود و لزوم اندیشیدن راه‌کارهایی برای حل این مشکل بزرگ را بهتر و بیشتر ظاهر می‌کند.

این امر که نرخ‌های بالای مالیاتی و بروز چنین شرایطی - فارغ از مشکلات عدیده و پیچیده‌ای که در زمینه تقسیم سود مورد اشاره قرار گرفت - چه پیامدها و آثار دیگری را در بازار سرمایه کشور (به خصوص بازار ثانویه

● شرکت‌های کمپرسورسازی ایران و صنعتی جنرال در سال ۷۳ زیان داشته‌اند، اما باید مبالغ سنگینی را هم به عنوان مالیات پرداخت کنند.